

هدفهای بزرگ!

در مقالات پیش‌شالوده‌های فکری را که اساس جامعه جهانی اسلام قرار می‌گیرد بیان نمودیم و توضیح دادیم که بر اساس یک رشته افکار بزرگ انسانی همه عوامل اختلاف و پراکندگی انسانها در این جامعه نابود می‌شود رشته‌های الفت و برادری انسانی میلیاردها بشر را در آن بهم پیوند میدهد.

اینک نوبت آن رسیده که طرح عملی و به اصطلاح «تاکتیک» خاصی را که برای تشکیل دادن چنین جامعه‌ای بکار بسته می‌شود بیان کنیم ولی قبلاً باید یک نکته اساسی را روشن کنیم و آن اینست که هدف اسلام از تأسیس جامعه جهانی چیست؟ چرا اسلام طرفدار اینست که حاکمیت‌های سیاسی گوناگون و متعارض و متضاد در یک حاکمیت سیاسی و در قدرت جهانی واحد ادغام شود و به اصطلاح «منشور» حکومت واحد جهانی اسلام چیست؟

آیا اسلام هم خواهان نوعی «امپریالیسم» است؟ برای توسعه‌ارزی، برای هدفهای استعماری و تسلط بر منابع اقتصادی دیگران، از «حکومت واحد جهانی» صحبت می‌کند آیا برای بدست آوردن «فضای حیاتی» (۱) و مانند آن است که پیروان اسلام از مرزهای محدود خود بیرون می‌آیند و ملت‌های دیگر را از راه مبارزات سرسختانه اعتقادی و سیاسی و از راه توسل به قدرت نظامی در مورد لزوم به وحدت جهانی دعوت می‌کنند؟ پیش آمدن این سؤالها کاملاً طبیعی است زیرا وقتی صحبت از حکومت جهانی واحد بمیان می‌آید فوراً امپراطوریهای بزرگ تاریخ در نظر مجسم می‌شود با همه هدفهای غیر انسانی و شیوه‌های استثمار آنها، در این

۱ - تحمیل «فضای حیاتی» بهانه «هیتلر» و امپریالیسم نازی برای تجاوز بکشورهای دیگر و بدست آوردن سیادت بر اروپا و تسلط بر منابع اقتصادی و مواضع استراتژیکی آن بود هیتلر و حقوقیون طرفداروی «فضای حیاتی» را چنین تفسیر میکردند که دولت آلمان حق دارد برای رها شدن از حدود تنگ جغرافیائی خود تلاش کند و در این راه قوانین و معاهداتی را که دست و پای او را بسته بشکند تا ملت بزرگ آلمان بتواند آزادانه در مسیر پیشرفت پیش برود و جهانرا از امتیازات مخصوص خود بهره‌مند سازد. جنگ جهانی دوم ثابت کرد که چطور این فلسفه بافی جز سرپوشی برای مقاصد تجاوز طلبانه آلمان نبود و چطور جهان در شعله‌های آتشی که این فلسفه روشن کرد سوخت.

هنگام امپراطوری روم و جهانگشائی اسکندر و لشکر کشیهای ناپلئون و امثال این توسعه طلبی- های ظالمانه فکر را به خود مشغول میکنید و باروش دولتهائی در نظر مجسم میشود که درقرنهای اخیر فقط برای تسلط بر منابع اقتصادی و به دنبال آن تسلط بر نقاط «استراتژیکی» دست به توسعه ارضی زدند و از شمارزیبا و فریبنده وحدت جهانی در نهایت امکان سوءاستفاده نمودند در پاسخ این سؤالاها و فکرها باید بگوئیم در این باب هم اسلام حساب خود را از همه مکتبها و شیوه ها جدا میکند و جامعه اسلامی بارنگ و بوی مخصوص خودش هدفهای کاملاً ویژهئی- را تعقیب میکند ، هدفهائی بس بزرگ و انسانی و بس عمیق و دامنه دار.

این هدفها تنها در صورتی در سراسر جهان محقق میشود که جامعه اسلامی بر سراسر جهان تسلط سیاسی داشته باشد و حاکمیت سیاسی اسلامی بر همه قدرتها سایه افکند . میتوانیم این اهداف را که در حقیقت «منشور» حکومت واحد جهانی اسلام است در دو موضوع خلاصه کرده چنین بیان کنیم :

۱- آزمون بردن هر نوع اختناق فکری و مبارزه با عوامل اسارت اندیشه ای انسان، ایجاد فضای آزاد فکری برای تمام توده های بشری .

۲- رها نندن توده ها و افراد مظلوم انسانی از زنجیرها و وابستگیهای رقت بار یکه همیشه آنها را تحت سیادت و آقائی ظالمانه و استثماراری طبقات و یا افراد خاصی قرار میدهد، ایجاد آزادی برای اینکه توده ها بتوانند راه صحیح زندگی را با اراده آزاد ، انتخاب کنند.

این دو هدف مقدس دورکن اصلی سیاست اسلام در جامعه جهانی است، ما در مقالات پیش توضیح دادیم که چگونه بر اثر دسته بندیهای غلط در قالبهای ملی و مذهبی و پس از آن سیاسی و نظامی راه هر گونه تفاهم و زمینه تفکر آزاد از جهان رخت برمی بندد و چطور پرده های تاریک و ضخیم انواع تعصبات غلط، دیدگان عقل ملتهارا از کار میاندازد و بر اثر تقسیم شدن جهان به بلوکها و دسته های متعارض و متضاد ، فضای زندگی انسانی بسختی آلوده میگردد . و چطور حفظ حسابها و ملاکهای خاصی جنگها و کشتارها و منازعات و کشمکشهای دامنه دار بیامی - کند و در این میان بزرگترین ضربه بر آزادی فکر انسان وارد میشود.

گذشته از این اختناق مهلك که در صحنه جهانی و بین المللی حکومت پیدا میکند در داخل هر جامعه نیز توده ها از آزادی تفکر بشدت محروم میشوند و حفظ مصالح خاص طبقات حاکمه آنها را همیشه دروضی قرار میدهد که هیچگاه در خلاف سیر این مصالح نتوانند حرکت کنند این طبقات از راه استعمار فکری اساس تفکر توده ها را همیشه در اختیار خود میگیرند و افکار آنها را در قالبهای مخصوصی که خودشان میخواهند میریزند نسل آنها را آنطور که میخواهند میسازند و خصوصاً در دنیای امروز توسعه فوق العاده و شگفت آور وسایل و وسبکهای تبلیغاتی به

این جنایتهای دقیق و لطیف کمک فراوان میکند (۱)

آری «منشور» حکومت جهانی اسلام رهانیدن انسانها از دورشته زنجیر اسارت فکری و سیاسی است که در صحنه بین المللی و یاداخل جامعهها زمینه آزادی تفکر و امکان انتخاب راه صحیح زندگی را از آنها سلب کرده است .

ماده اول این منشور در آیه ۳۹ از سوره «انفال» آنجا که قرآن برای دفاع از موجودیت جامعه اسلامی و حاکمیت عقیده اش به مسلمانان دستور جهاد میدهد چنین بیان شده است :

«بادشمنانان بچنگید ، تا آتش فتنه خاموش گردد (و عوامل اختناق و استثمار فکری از میان برود) و انتخاب دین تنها برای خدا و حقیقت جوئی باشد» (۲)

این آیه هنگامی نازل شد که دسته های مخالف اسلام زمینه های آزادی فکرا از میان برده اجازه نمیدادند جامعه نوظهور اسلامی در یک محیط آزاد موجودیت خود را حفظ کند و به رشد خود ادامه دهد و رسالت جهانی خود را به گوش جهانیان برساند در این شرایط ، ایجاد زمینه برای تفکر آزاد و نابود ساختن عوامل اسارت و استثمار فکری از راه توسل بقدرت نظامی بر مسلمانان واجب شد و جامعه جهانی اسلام همیشه این هدف بزرگ و مقدس را تعقیب میکنند .

ماده دوم منشور در آیات دیگری چنین بیان شده است :

(۱) از باب نمونه میتوان به نقش این گونه تبلیغات در ایالات متحده اشاره کرد: «ساموئیل - کینگ» که خود امریکائی است در کتاب جامعه شناسی خاطر نشان میکند که ... در حدود ۹۷ درصد ایستگاههای رادیو (در امریکا) متعلق به اشخاص متفرقه است و برنامه های آنها در دست عده ای از مؤسسات تبلیغاتی است ، در مطبوعات و تلویزیون نیز یک چنین وضعی حکم فرماست بطور کلی گردانندگان چرخهای این وسائل ارتباط پیوسته میکوشند افکار همگانی را بطرف هدف معینی که عبارت از تأمین منافع عده بخصوصی است هدایت کنند.

برنامه های این وسایل غالباً بوسیله نفع جویان و بازرگانان و آگهی دهندگان تنظیم میگردد . . . سازمان اجتماعی امریکا چنان در انحصار گروهی درآمده است که حصول کمترین تغییر در آن امکان پذیر نیست ، هدفهای اجتماعی کاملاً در محاصره منافع بازرگانی قرار گرفته و پیوسته با مقاصد اقتصادی در اصطکاک هستند ، پیشنهادات و افکار ترقیخواهان چندان تأثیری در اصلاح این اوضاع ندارد زیرا آنها بشرطی از طرف تنظیم کنندگان برنامهها منظوره میگرددند که به منافع بازرگانی گردانندگان وسایل ارتباط لطمه ای وارد نسازد این وضع موجب میشود که افکار عمومی تنها بصورت قشری درآید .

(۲) و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله الله فان انتهوا فان الله بما يعملون

بصیرة انفال آیه ۳۹ .

و چرا در راه خدا و بخاطر مردان و زنان و کودکان زیر دست و ناتوان ، به جهاد بر نمی-خیزید ، مردان و زنان و کودکانی که میگویند : پروردگارا ما را از محیطی که صاحبانش بیادگرانند بیرون آور و رهائیمان بخش و از جانب خود ما را پیشوائی فرست و مددکاری روانه ساز (۱)

* * *

در اینجا باید این مطلب اساسی را یاد آور شویم که آنچه در منشور حکومت جهانی اسلام بیان شده است هدفی بسیار عالیتر و برتر از «منشور ملل متحد» را تعقیب میکند در منشور ملل متحد که انعکاس آخرین تلاش بشر برای از میان بردن عوامل جنگ و اختلاف است مهمترین هدف در ماده اول چنین بیان شده :

(مرام ملل متحد بقرار ذیل است) :

۱ - نگاهداری صلح و امنیت بین المللی و برای این منظور :

«اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری از تهدیدات بر علیه صلح و برکنار کردن آنها ، و از بین بردن هر اقدام تهاجمی یا هر اختلال صلح بنحو دیگر ، و عملی کردن تنظیم و تصفیة مسالمت آمیز اختلافات و یا وضعیت هائی که جنبه بین المللی دارند و ممکن است صلح را برهم زنند بر طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی» .

ملاحظه میکنیم بالاترین هدف منشور در حفظ صلح جهانی خلاصه میشود ولی اسلام حفظ صلح را برای تأمین سعادت همه توده های انسانی کافی نمیداند و معتقد است هدف نهائی و بالاتر از صلح ، ایجاد آزادی فکر و اندیشه برای جهانیان است زیرا در پرتو این آزادی جهانی است که مکتبهای سعادت بخش میتوانند تعالیم خود را در اختیار انسانها بگذارند و انسانها هم قادر میشوند با اراده ای آزاد و صرفاً بر اساس خواست وجدان و عقل ، راه صحیح زندگی را انتخاب نمایند آیا امروز که ظاهراً صلح بر جهان حکومت میکند آزادی اراده و وجدان برای انسانها فراهم شده تا ایجاد صلح جهانی را هدف نهائی قرار دهیم و در جستجوی هدف دیگری نباشیم؟! (اگر وضع موجود را بتوان صلح نامید) همین امروز استعمار فکری و سیاسی هم در صحنه جهانی و هم در داخل بسیاری از کشورها توده های وسیعی از انسانها در نهایت اختناق و بردگی نگاه داشته است و همین واقعیت تلخ است که بمانفهماند ایجاد صلح ، به تنهایی مطلوب نهائی بشر یعنی «آزادی و فرزانتگی» را تأمین نمیکند.

(۱) «وما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین

یقولون ربنا اخرجننا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا .. (سوره نساء آیه ۷۵)

این آیه رهانیدن توده های مظلوم را از سلطه و چنگال ظالمان بر جامعه اسلامی واجب میکند ، جامعه اسلامی کوچک ولی مقتدری که پیامبر اسلام در مدینه بوجود آورده بود بموجب این دستور آسمانی موظف شد مسلمانان ناتوانی را که بخاطر انتخاب اسلام در زیر فشار و شکنجه اجتماع مکه بسر میبردند از اسارت رها سازد و به اینکار اقدام نمود از آن پس اصل (آزادی-بخشی) جزء هدفهای اساسی رسالت جهانی اسلام قرار گرفت.